

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: سوپوده و ارما
فرستنده: نسترن نصرتی
۲۸ جولای ۲۰۲۰

هند، ایالات متحده و برازیل:

وجه مشترک سه سلطان کووید-۱۹ چیست؟

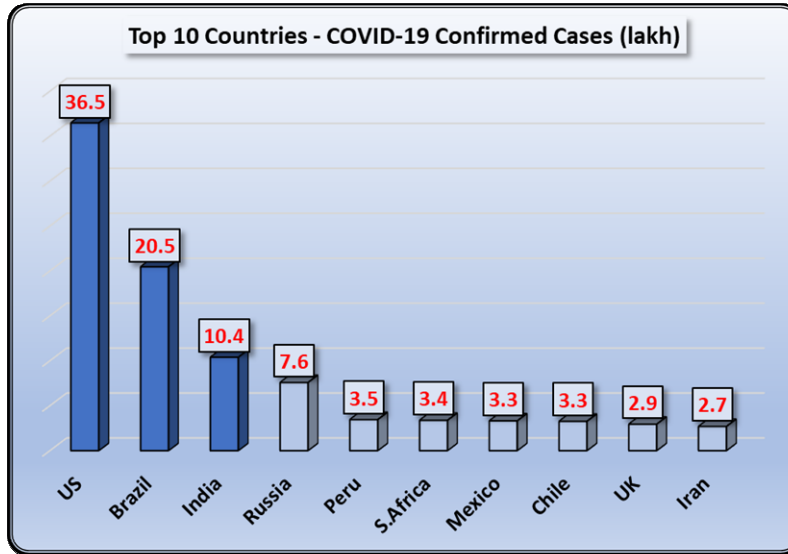
تا ۱۸ جولای، موارد تأیید شده همگیری کووید-۱۹ در جهان به ۱۴,۱ میلیون نفر رسیده است. تقریباً نیمی از اینها (۴۸ درصد) فقط در سه کشوری هستند که تاج سلطانی کووید-۱۹ را بر سر دارند. این سه ایالات متحده، برازیل و هند هستند که بر روی هم ۶۷۰ هزار مورد مرگ از کووید-۱۹ داشته اند. کشورهای دیگری که در ۱۰ رتبه بالا قرار دارند شامل روسیه و بریتانیا در اروپا، پرو، چیلی و مکزیکو در امریکای لاتین و ایران در آسیا می‌شوند. این تنها یک مورد از انگشت تکان دادن بخت کور نیست. این کشورهای دارای بیش از یک میلیون مبتلا یک وجه مشترک دارند. به این دلیل که در این کشورها نه تنها هیچ نشانه‌ای از کاهش همگیری دیده نمی‌شود، بلکه موارد ابتلا هر روز افزایش می‌یابد.



تا ۱۸ جولای، موارد تأیید شده همگیری کووید-۱۹ در جهان به ۱۴,۱ میلیون نفر رسیده است. تقریباً نیمی از اینها (۴۸ درصد) فقط در سه کشوری هستند که تاج سلطانی کووید را بر سر دارند. این سه ایالات متحده، برازیل و هند هستند که بر روی هم ۶۷۰ هزار مورد مرگ از کووید-۱۹ داشته اند. [نگاه کنید به نمودار زیر، براساس داده‌های مرکز منبع ویروس کرونای جان هاپکینس]. کشورهای دیگری که در ۱۰ رتبه بالا قرار دارند شامل روسیه و بریتانیا در اروپا، پرو، چیلی و مکزیکو در امریکای لاتین و ایران در آسیا می‌شوند.

این تنها یک مورد از انگشت تکان دادن بخت کور نیست. این کشورهای دارای بیش از یک میلیون مبتلا یک وجه مشترک دارند. به این دلیل که در این کشورها نه تنها هیچ نشانه‌ای از کاهش همگیری دیده نمی‌شود، بلکه موارد ابتلا

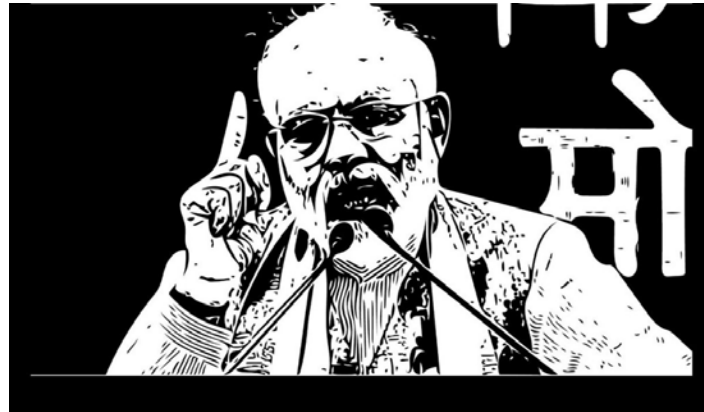
هر روز افزایش می یابد- سودمند است ببینیم اشتباه ایالات متحده، برازیل و هند، که موجب از دست رفتن یا ناتوانسازی جان انسانها، و مصایب همراه این بیماری بیدادگر شد، چه بود.



نمودار: ۱۰ کشور کووید زده (هر لخ معادل صد هزار)

دیدن این آسان است که این سه کشور رهبران پوپولیستی دارند، که در تظاهر به آمدن از خارج از دستگاه برای مقابله با زوال و فساد، قرار دادن عظمت ملت پیش از هر چیز دیگر و سیاستهای مشت محکم در رویارویی با هر مقاومت محکوم به زوال چیره دست میباشند.

بدون تردید، دونالد ترمپ، ژانیر بولسونارو و نارندرا موودی، با خط باریکی که آنها را از کنترل خود کامه مجزا میسازد، این ویژگیها را دارند. آنها همچنین پرچمداران بازار آزاد، جهانیسازی و قدرت شرکتها هستند. آنها، ممکن است به علت این ویژگیها، یا به علت برخی عوامل دخیل دیگر، جملگی نهایتاً کشورهای خود را به جایی رساندند که آنها فقط می توان یک فاجعه انسانی نامید.



عدم باور به آزمایش (Testing)

رئیس جمهور ترمپ در این روزها دوست دارد لاف بزند که ایالات متحده بیش از هر کشور دیگری، بیش از ۴۴ میلیون آزمایش کووید-۱۹ انجام داده است. اما چندی پیش، او از جدی گرفتن همکاری احتراز می کرد، و با اکراه بسیار آزمایش کردن را پذیرفت-اما آن وسایل آزمایش معیوب بودند.

یک تأخیر شش هفته‌ای حیاتی، با کمک اشتباهات دیگر، زمینه را برای افزایش کنونی در همه‌گیری مهیا نمود. بولسونارو نیز هرگز به همه‌گیری باور نداشت. آن را «آنفلوانزای کوچولو» می‌نامید. و انجام آزمایش در برازیل بسیار ناکارآمد است و بیش از ۹۰۰ هزار نمونه آزمایشی به دلیل نبود معرف‌های کیمیائی در آزمایشگاه‌ها مانده اند. بنا به گزارش سازمان غیردولتی بهداشت بین‌المللی «پزشکان بدون مرز»، در برازیل در حال هزار برای هر یک میلیون نفر ۷۵۰۰ آزمایش انجام شده است.

در هند، دولت موودی هرگز باور به آزمایش را نشان نداد، شاید می‌دانست که آن به تلاش و منابع عظیمی نیاز دارد که منوط به سرمایه‌گذاری است. دولت موودی پس از سکوت عملی پیرامون آن، مسئولیت را به دولت‌های ایالتی منتقل کرد که به طیف گسترده‌ای از شدت آزمایش انجامید.

در هند به طور متوسط حدود ۹۲۸۹ آزمایش برای هر یک میلیون نفر در روز انجام می‌شود. نتیجه این نرخ پائین آزمایش، چه در برازیل یا هند، این است که تعداد واقعی موارد ابتلاء بسیار کمتر از آن که هست ارزیابی می‌شود. کارشناسان فکر می‌کنند تعداد واقعی ممکن است دو تا پنج برابر چیزی باشد که امروز گزارش می‌شود. بدون آزمایش به موقع، و بدون ردگیری تماس‌ها و جداسازی متعاقب، همه‌گیری بالاجبار از کنترل خارج می‌شد. همان‌طور که در این سه کشور از کنترل خارج شده است.

انداختن مسئولیت بر دوش مردم

این سه رهبر عملاً مسئولیت مقابله با همه‌گیری را به مردم منتقل کردند. موودی این را با هشدار دادن به مردم درباره بیماری خطرناکی انجام داد، که فقط با تصمیم و نیروی آن‌ها می‌تواند مهار شود، و از مردم خواست در خانه بمانند و فاصله را رعایت کنند.

دو رهبر دیگر، ترمپ و بولسونارو، به عکس این بودند، آن‌ها بیماری را به مثابه یک توهم نادیده گرفتند و به طور ضمنی گفتند مردم باید مانند گذشته به زندگی خود ادامه دهند. هر دو برای نخستین بار فقط در هفته گذشته ماسک به صورت زدند. گرچه این مواضع کاملاً مخالف مواضعی بود که موودی داشت، اما در عمل، بدین معنی بود که مردم باید از خودشان مراقبت کنند.

برای کشوری مانند هند، که در آن میلیون‌ها نفر در فقر مطلق زندگی می‌کنند این توصیه-درستی آن هر چه باشد-معنای کمی داشت. آن‌ها تا حدی که می‌توانستند به آن عمل کردند اما بعداً گرسنگی مردم را در جست‌وجوی کار و غذا از خانه بیرون آورد.

در برازیل و ایالات متحده، پیام نادرست بدین معنی بود که مردمی که در غیر آن‌صورت می‌توانستند ماسک به صورت بزنند یا فاصله فیزیکی را تا حدی رعایت کنند آن‌را انجام ندادند. در عمل، هر دو راه به یک افزایش شدید در موارد کووید-۱۹ منتهی شد.

اقتصاد مهم‌تر است

دوباره، به دلایل مختلف، و با انگیزه‌های مختلف، سه رهبر مصمم به «بازگشائی» اقتصاد بودند. این بدون تردید به افزایش در موارد ابتلاء انجامید.

در مورد موودی، مارپیچی که وی خود- و کشور- را در آن گم‌شده یافت، ساخت خود او بود. یک در خانه ماندن (lockdown) پیش از وقت و بسیار سخت‌گیرانه کشوری، در زمانی که کل تعداد موارد تأیید شده فقط حدود ۵۰۰ بود،

برای دو ماه ادامه یافت. این اقتصادی را ویران کرد، حداقل ۱۲۰ میلیون نفر را بیکار کرد و درآمد بیش از ۸۰ درصد جمعیت ربنده شد.

توزیع رایگان غلات و ریختن مبالغ ناچیز یارانه نقدی به حساب‌های بانکی قدری کمک کرد، اما بسیار ناکافی بود. مردم به هیچ‌وجه اقدامات بیش‌تر در خانه ماندن را نمی‌پذیرفتند. این زمانی معلوم شد که میلیون‌ها کارگر مهاجر در خانه ماندن را نقض کردند و پیاده به روستاهای خود بازگشتند. یک تخمین می‌گوید ۹۷۱ نفر در این دوره به علت خستگی، گرسنگی، حادثه، یا حتا خودکشی جان باختند. در عین‌حال، سرمایه‌داران نیز برای شروع کار فشار وارد می‌کردند. لذا، موودی سرانجام از جون تخفیف در خانه ماندن را آغاز کرد. همه‌گیری که تا آن زمان در حال جوشیدن بود، با دو سوم موارد تأیید شده از جون به بعد، منفجر شد.



برای ترمپ، اقتصاد حیاتی بود. این بلیط او به دور دوم است. پیش از همه‌گیری، او به دلیل افزایش اشتغال و مناسب به نظر رسیدن چشم‌انداز اقتصادی در بلندمدت، همه نظرسنجی‌ها جلو بود. اما، با اشاعه ویروس کرونا و در خانه ماندن در ایالت‌ها، اقتصاد فروپاشید، تعداد بیکاران سر به آسمان زد و ریاست جمهوری ترمپ در هوا ناپدید شد. در نتیجه، او بسیار بی‌تاب بود که دست به کاری بزند، ابتداء همه‌گیری را انکار کرد، سپس آن‌را پذیرفت اما فوراً شروع به گفتن این کرد که همه‌گیری تحت کنترل است، بگذارید کشور باز شود و به وضعیت عادی بازگردد. از قضا، موقعیت او در نظرسنجی‌ها خوب نیست.

بولسونارو هرگز مایل به تعطیل کردن هیچ چیز نبود، با دولت‌های محلی جنگید، دو وزیر بهداشت را برکنار کرد، به انکار کردن ادامه داد. و با گذر زمان جامعه بسیار نابرابر بر ازیل نداشتن درآمد را احساس کرد. و او تسلیم شد و به ایالت‌ها اجازه داد کار خود را انجام دهند (موودی نیز اکنون همان کار را انجام می‌دهد).

درهم ریختگی مراقبت بهداشتی

هیچ‌یک از سه رهبر به ساختن زیرساخت بهداشتی لازم برای تأمین الزامات مقابله با همه‌گیری توجه نکردند. خرید تجهیزات اساسی به تأخیر افتاد، هیچ برنامه‌ای برای آموزش پرسنل اضافی اجراء نشد، هیچ نقشه‌ای برای مقابله با افزایش تعداد بیماران طراحی نشد، تصمیمات پس از وقوع حادثه گرفته شدند.

در هند، تعداد کم آزمایش همراه با جمعیت شهری نسبتاً پائین و جمعیت جوان‌تر، شاید موجب شد. به استثنای بمبی و دهلی. فشار کمتری بر بیمارستان‌ها و خدمات بهداشتی عمومی وارد شود. اما در روزهای آینده، با مطالعاتی که

پیش‌بینی می‌کنند موارد ابتلا بدون کنترل افزایش خواهند یافت، این نیز باز خواهد گشت و گریبان دولت موودی را خواهد گرفت.

در نتیجه، شخصیت‌ها شبیه اند، تاکتیک‌های مقابله با همه‌گیری با برخی تفاوت‌های ظاهری شبیه اند، و ترمپ، بولسونارو و موودی با هدایت کشورهای متبوع خود از راه‌های مختلف به یک جا رسیده اند. آن‌ها سلاطین کووید-۱۹ هستند.

حسن روحانی: «**قرنطینه چینی**» معنایش آن بود که دستور دادند تمام مغازه‌ها بسته شود، تمام ماشین‌ها از حرکت متوقف شود، تمام درب خانه‌ها بسته شود، هیچ کس حق ندارد از خانه خارج شود و غذای ۲۴ ساعت توسط مأموران به خانه‌ها انداخته می‌شد. این مدل **قرنطینه چینی** در ووهان بود. این مدل را هیچ کسی در دنیا نپسندید و هیچ کسی هم اجراء نکرد و نمی‌شد، هم اجراء شود. این مدل مخصوص خودشان بود. عده‌ای در داخل کشور به ما فشار می‌آوردند که شما **مدل چینی** را اجراء کنید ما **مدل چینی** را اجراء نکردیم.» (جالب توجه این‌که: شیخ حسن روحانی و دولت او در حالی‌که دور از انظار عموم در حال تهیه و ارائه پیش‌نویس سند مشارکت ستراتیژیک ایران-چین بودند، برای توجیه سیاست نولیبرالی- ریاضتی خود در ارتباط با مقابله با ویروس کرونا به مبتذل‌ترین نوع چین‌ستیزی رایج در میان لیبرال‌ها و غرب‌گرایان ایرانی متوسل می‌شدند.)

منبع: نیوز کلیک

تارنگاشت عدالت